

**بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ**



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشکده مطالعات قرآنی  
گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث

**سیر تغییر معنایی واژه "کفر"**

**در تفاسیر و ترجمه های فارسی قرن ۱۰ تا ۱۵**

استاد راهنما:

دکتر مریم قبادی

استاد مشاور:

دکتر زهرا محققیان

پژوهشگر:

حدیث ریاحی

شهریور ماه ۱۳۹۷

تقدیر و سپاس فراوان

از اساتید بزرگوار راهنما و مشاور پایان نامه

و تمام عزیزانی که در تدوین این پژوهش،

مقیر را یاری نمودند.

تقدیم بہ محضر قطب عالم امکان، گم گشتہ کوی

سالکان و کعبہ مقصود اولیاء بقیہ اللہ الاعظم

حضرت مہدی ارواحنا لتراب مقدمه فداء.

چکیده:

یکی از مهم‌ترین کلمات کلیدی قرآن کریم که ابعاد و زوایای آن در گستره آیات ترسیم شده، واژه پرکاربرد "کفر" است. در گذر زمان، مفسران و مترجمان فارسی بنا به شرایط و اقتضات، در انتخاب معنا و گزینش معادل‌های مختلف برای این واژه، رویکردهای متفاوتی داشته‌اند. در نتیجه، معنای آن در این منابع فراز و فرودهایی داشته گاه دامنه‌ی معنایی آن تنگ و مضیق شده و گاه دیگر توسع یافته است. طبعاً، هر یک از این رویکردها آثار و نتایجی را به دنبال داشته که جهان اسلام همینک با برخی از تبعات سوء آن دست به گریبان است.

این پژوهش با هدف رمزگشایی و تبیین دقیق معنای کفر، برون رفت از تنگنای به وجود آمده در عرصه‌های فکری و پاسخ‌گویی به نیازهای به نیازهای جهان معاصر، با استفاده از الگوهای معناشناسی تاریخی، کوشیده است ضمن بررسی و تحلیل رابطه لفظ "کفر" با معانی ارائه شده در میراث تفسیری و ترجمه‌های موجود در طول ۶۰۰ سال، علاوه بر ترسیم روند این تغییرات و تحولات، تبیین دقیق‌تر و جامع‌تری از این مفهوم کلیدی قرآنی به دست دهد.

این نوشتار با جستاری در ۹۳ تفسیر و ترجمه‌ی فارسی قرن ۱۰ تا ۱۵ و بهره‌گیری از روش تحلیلی، توصیفی نشان می‌دهد که برابر نهادهای این واژه در طی این گستره‌ی زمانی، توسع یافته است. نتایج این پژوهش، بیانگر آن است که در آیاتی که "کفر" به خداوند منسوب شده، تغییرات کم و نامحسوسی در برابر نهادهای این واژه مشاهده می‌شود، بطوریکه زمانی "بخشیدن" و گاهی "محو کردن" و "پوشاندن گناهان" معادل کفر بیان شده است. اما در دیگر آیات که به "کفر" انسان اشاره شده، با افزایش توجه مفسران به سیاق معنوی آیات به هدف نزدیک شدن به مدلول اصلی، معادل‌های متنوعی در مفهوم این واژه ذکر شده، به طوریکه در قرن ۱۰، ۷ معادل و در قرن ۱۵، ۳۷ برابر نهاد در معادل کفر بیان شده است.

واژه‌های کلیدی: ترجمه‌های فارسی قرآن، تفاسیر فارسی، برابر نهاد کفر، قرون ۱۰ تا ۱۵

## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
فصل اول: کلیات پژوهش و تبیین مفاهیم اصلی.....	۱
۱. کلیات پژوهش.....	۱
۱-۲. تبیین مساله.....	۱
۱- ۲. اهداف پژوهش.....	۳
۱- ۳. پرسش های پژوهش.....	۳
۱- ۴. فرضیه های پژوهش.....	۳
۱- ۵. پیشینه پژوهش.....	۳
۱- ۶. جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش.....	۴
۱- ۷. روش انجام پژوهش و جمع آوری اطلاعات.....	۴
۲. مفاهیم پژوهش.....	۴
۱- ۲. معنا شناسی.....	۴
۱-۲-۱. معناشناسی و پیشینه آن.....	۴
۱- ۲-۲. چیستی معنا.....	۵
۱- ۲-۳. کارکرد معناشناسی.....	۶
۱- ۲-۴. شاخه های معناشناسی.....	۷
۱- ۲-۵. انواع معنا.....	۸
۱- ۲-۶. تغییر معنایی.....	۹
۱- ۲-۷. مطالعه واحدهای معنا.....	۱۰
۱- ۲-۸. حوزه معنایی.....	۱۱

- ۹-۲-۱. میدان معناشناسی..... ۱۱.....
- ۱۰-۲-۱. شبکه معنایی..... ۱۱.....
- ۱۱-۲-۱. گذری بر انواع مکاتب معناشناسی..... ۱۲.....
- ۱۲-۲-۱. نگاهی بر ساختار معنایی قرآن..... ۱۴.....
- ۲-۲. معنای واژه کفر..... ۱۶.....
- ۲-۲-۱. واژه کفر در زبانهای سامی..... ۱۶.....
- ۲-۲-۲. نمونه هایی از کاربرد کفر در اشعار جاهلی:..... ۱۸.....
- ۲-۲-۳. واژه کفر در قاموسهای عربی:..... ۲۰.....
- فصل دوم: سیر تغییر معنایی واژه کفر در تفاسیر قرون ۱۰ تا ۱۵..... ۲۰.....**
- ۱-۲. تاریخ تفسیر در گستره زمانی قرن ۱۰ تا ۱۵..... ۲۱.....
- ۲-۲. بررسی تفاسیر..... ۳۳.....
- ۱-۲-۲. تفاسیر قرن ۱۰..... ۳۴.....
- ۱-۱-۲. قصص الانبیاء..... ۳۴.....
- ۱-۲-۲. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین..... ۳۶.....
- ..... ۳-۱-۲. تفسیر منتخب ترجمان قرآن..... ۳۹.....
- ۱-۲-۲. تفسیرشاهی..... ۴۱.....
- ۱-۲-۲-۵. تفسیر حدائق الحقایق فی کشف اسرار دقایق..... ۴۲.....
- ۲-۲-۲. تفاسیر قرن ۱۱..... ۴۲.....
- ۱-۲-۲-۲. تفسیر شریف لاهیجی..... ۴۳.....
- ۲-۲-۲-۲. البحر المواجه فی تفسیر القرآن..... ۴۷.....
- ۲-۲-۲-۳. مختصر تفسیر الائمه..... ۴۹.....
- ۲-۲-۲-۴. بدیع البیان لمعانی القرآن..... ۵۱.....
- ۲-۲-۲-۵. تفسیر قطب شاهی..... ۵۴.....
- ۲-۲-۳. تفاسیر قرن ۱۲..... ۵۴.....

- ۱-۳-۲- تفسیر المبین..... ۵۴
- ۲-۳-۲- تفسیر حکیم قمی ..... ۵۶
- ۴-۲-۲- تفاسیر قرن ۱۳..... ۵۷
- ۱-۴-۲- تقریب الافهام فی تفسیر آیات الاحکام ..... ۵۷
- ۲-۴-۲- تفسیر سر اکبر ..... ۵۸
- ۳-۴-۲- تفسیر آیات الائمہ..... ۵۹
- ۴-۴-۲- تفسیر آیات الفضائل ..... ۵۹
- ۵-۴-۲- تفسیر بحر الاسرار ..... ۵۹
- ۶-۴-۲- تفسیر اسرار توحید ..... ۶۰
- ۷-۴-۲- تفسیر مجمع البحار..... ۶۰
- ۵-۲-۲- تفاسیر قرن ۱۴ ..... ۶۰
- ۱-۵-۲- تفسیر انوار درخشان ..... ۶۰
- ۲-۵-۲- تفسیر پرتوی از قرآن ..... ۶۶
- ۳-۵-۲- تفسیر آسان..... ۶۸
- ۴-۵-۲- تفسیر اثنی عشری..... ۷۳
- ۵-۵-۲- تفسیر خسروی..... ۷۷
- ۶-۵-۲- تفسیر عاملی..... ۸۱
- ۷-۵-۲- تفسیر حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر..... ۸۳
- ۸-۵-۲- تفسیر مخزن العرفان..... ۸۵
- ۹-۵-۲- تفسیر کلید فهم قرآن..... ۹۰
- ۱۰-۵-۲- تفسیر مناہج المومنین..... ۹۲
- ۱۱-۵-۲- تفسیر ناسخ التفاسیر..... ۹۲
- ۱۲-۵-۲- تفسیر کانون حکمت ایران..... ۹۳
- ۱۳-۵-۲- تفسیر اصفهانی..... ۹۳



- ۹۳ ..... ۱۴-۵-۲- آيات نازله فى الذم ظلم و الجور.....
- ۹۳ ..... ۱۵-۵-۲- آيات الباهره فى فضل العتره الطاهره.....
- ۹۴ ..... ۱۶-۵-۲- تفسير ابروانى (حاشيه بر بيضاوى).....
- ۹۴ ..... ۱۷-۵-۲- آيات الرجعه.....
- ۹۴ ..... ۷-۵-۲- تمميز الاوصياء.....
- ۹۴ ..... ۶-۲-۲- تفاسير قرن ۱۵.....
- ۹۴ ..... ۱-۶-۲- تفسير اطيب البيان فى تفسير القرآن.....
- ۹۷ ..... ۲-۶-۲- تفسير احسن الحديث.....
- ۱۰۰ ..... ۳-۶-۲- تفسير روان جاويد.....
- ۴۰۴ ..... ۴-۶-۲- تفسير روشن.....
- ۱۰۷ ..... ۵-۶-۲- تفسير عليين.....
- ۱۰۹ ..... ۶-۶-۲- تفسير نمونه.....
- ۱۱۴ ..... ۷-۶-۲- تفسير نور.....
- ۱۱۸ ..... ۸-۶-۲- تفسير كوثر.....
- ۱۲۲ ..... ۶-۲-۵- تفسير تسنيم.....
- ۱۲۳ ..... ۶-۲-۶- نتيجه گيرى.....
- ۱۲۷ ..... فصل سوم: مرورى بر تغييرات معنابى كفر در ترجمه‌هاى قرون ۱۰ تا ۱۵.....
- ۱۲۷ ..... ۱-۳- بررسى تاريخى چالش ترجمه پذيرى قرآن كريم.....
- ۱۳۳ ..... ۲-۳- بررسى ترجمه ها.....
- ۱۳۴ ..... ۱-۲-۳- ترجمه هاى قرن ۱۰.....
- ۱۳۴ ..... ۱-۲-۳- ترجمه دهلوى.....
- ۱۳۷ ..... ۲-۲-۳- ترجمه هاى قرن ۱۴.....
- ۱۳۷ ..... ۱-۲-۳- ترجمه خسروى.....
- ۱۳۹ ..... ۲-۲-۳- ترجمه عاملى.....

- ۱۴۱ ..... ۳- ۲- ۲-۳. ترجمه صفی علی شاه.....
- ۱۴۲ ..... ۳- ۲- ۲-۴. ترجمه فیض الاسلام.....
- ۱۴۵ ..... ۳- ۲- ۲-۵. ترجمه شعرانی.....
- ۱۴۶ ..... ۳- ۲- ۲-۶. ترجمه معزی.....
- ۱۴۷ ..... ۳- ۲- ۲-۷. ترجمه رهنما.....
- ۱۴۹ ..... ۳- ۲- ۲-۷. ترجمه نوبری.....
- ۱۵۰ ..... ۳- ۲- ۳. ترجمه های قرن ۱۵.....
- ۱۵۰ ..... ۳- ۲- ۳-۱. ترجمه فولادوند.....
- ۱۵۱ ..... ۳- ۲- ۳-۲. ترجمه انصاریان.....
- ۱۵۳ ..... ۳- ۲- ۳-۳..... ترجمه بروجردی.....
- ۱۵۵ ..... ۳- ۲- ۳-۴. ترجمه پور جوادی.....
- ۱۵۷ ..... ۳- ۲- ۳-۵. ترجمه بیان السعاده فی مقامات العباده.....
- ۱۵۸ ..... ۳- ۲- ۳-۶. ترجمه حلبی.....
- ۱۶۰ ..... ۳- ۲- ۳-۷. ترجمه خواجوی.....
- ۱۶۲ ..... ۳- ۲- ۳-۸. ترجمه سراج.....
- ۱۶۴ ..... ۳- ۲- ۳-۹. ترجمه رضایی.....
- ۱۶۶ ..... ۳- ۲- ۳-۱۰. ترجمه طاهری.....
- ۱۶۷..... ۳- ۲- ۳-۱۱. ترجمه کاویان پور.....
- ۱۶۹ ..... ۳- ۲- ۳-۱۲. ترجمه کوثر.....
- ۱۷۰ ..... ۳- ۲- ۳-۱۳. ترجمه گرمارودی.....
- ۱۲۹..... ۳- ۲- ۳-۱۴. ترجمه مجتبوی.....
- ۱۷۳..... ۳- ۲- ۳-۱۵. ترجمه یاسری.....
- ۱۷۴..... ۳- ۲- ۳-۱۶. ترجمه انصاری.....
- ۱۷۶ ..... ۳- ۲- ۳-۱۷. ترجمه صفارزاده.....

۱۷۷	.....	۱۸-۳-۲-۳. ترجمه روان جاوید.....
۱۷۹	.....	۱۹-۳-۲-۳. ترجمه پاینده.....
۱۸۰	.....	۲۰-۳-۲-۳. ترجمه الهی قمشه ای.....
۱۸۲	.....	۲۱-۳-۲-۳. ترجمه آیتی.....
۱۸۴	.....	۲۲-۳-۲-۳. ترجمه ارفع.....
۱۸۶	.....	۲۳-۳-۲-۳. ترجمه اشرفی.....
۱۸۸	.....	۲۴-۳-۲-۳. ترجمه برزی.....
۱۸۹	.....	۲۵-۳-۲-۳. ترجمه روشن.....
۱۹۱	.....	۲۶-۳-۲-۳. ترجمه مشکینی.....
۱۹۳	.....	۲۷-۳-۲-۳. ترجمه نور.....
۱۵۰	.....	۲۸-۳-۲-۳. ترجمه مصباح زاده.....
۱۹۴	.....	۲۹-۳-۲-۳. ترجمه فارسی.....
۱۹۵	.....	۳۰-۳-۲-۳. ترجمه گلی از بوستان خدا.....
۱۹۷	.....	۳۱-۳-۲-۳. ترجمه خرمشاهی.....
۱۹۸	.....	۳۲-۳-۲-۳. ترجمه بهرام پور.....
۲۰۰	.....	۳۳-۳-۲-۳. نتیجه گیری.....
۱۵۷	.....	۴-فصل چهارم: تحلیل مباحث.....
۱۵۸	.....	منابع.....

آن زمان که خداوند متعال با پیام (و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم) بشر را مورد خطاب قرار داد کلید فهم و دریافت این کتاب هدایت را نیز به او داد تا بدین وسیله مقدمات تدبّر و تفکر در این صحیفه نور فراهم گشته و فرامین سعادت بشر هویدا شود.

فهم و دریافت این کتاب هدایت بدون در اختیار داشتن معانی واژه های آن با توجه به فرهنگ زمان نزول آیات میسر نیست و از طرفی دقت در تغییر معنای واژه در طول زمان و یا داشتن معانی گوناگون در یک زمان در اقوام مختلف، ضروری است. معنانشناسی از شاخه های اصلی زبان شناسی است که به مطالعه معنا در زبان می پردازد مسلمانان نیز به دلیل لزوم فهم و تفسیر معنای قرآن به دانش معنانشناسی توجه جدی نشان دادند. مباحثی چون ثبت معانی واژگان غریب در قرآن، حوزه مجاز، وجوه و نظایر و پیدایش فرهنگهای موضوعی در حوزه مباحث معنانشناسی جای می گیرد یکی از مباحث مهم دانش معنانشناسی، مطالعه در زمانی حوزه های معنایی است، واحدهای معنایی در طول زمان تحت تأثیر عوامل زیادی مانند کاربرد و نیاز دچار تحول و تغییر در معنا می شوند. یکی از انواع تغییرات معنایی از نظر زبانشناسان گسترش معنایی است یعنی حوزه معنایی و کاربردی واژه گسترش می یابد (سیدی، ۳۷: ۱۳۹۰). زبان قرآن کریم، به مثابه یک زبان از این تغییرات معنایی مستثنی نبوده است و معنای واژگان این کتاب هدایت در طی زمان از معنای اصلی زمان نزول فاصله گرفتند، فرآیند تغییر در زمانی حوزه های معنایی یک فرآیند طبیعی در زبان است لکن مصون نگه داشتن معنای واژگان قرآن کریم از این تغییرات طبیعی، در انتقال مفاهیم آن بسیار تاثیر گذار است زیرا خداوند در قالب زبان مردم عصر نزول راههای هدایت را به بشر نشان داده است. دریافت مفاهیم قرآن در قالب معنای واژگان در عصر نزول ما را به مفهوم اصلی آیات نزدیک می کند.

از واژه های پر کاربرد در قرآن کریم الفاظی است که از ریشه «کفر» مشتق شده است. این ریشه در قرآن کریم در قالب مجرد و مزید در باب افعال و تفعیل به صورت فعل، فاعل و مصدر به کار رفته است به طوریکه مجموع بسامد مشتقات این ریشه در قرآن کریم، بیش از ۵۰۰ مرتبه است. و فهم بسیاری از آیات در گرو فهم دقیق از معنای واژه کفر و مشتقات آن

می باشد. این واژه مانند بسیاری از حوزه های معنایی دچار تغییر در دامنه معنای خود شده است. این تغییرات مفاهیم ثانویه ای را به مفهوم اولیه تحمیل می کند.

محوریت پژوهش حاضر، بررسی تحول معنایی برابر نهادهای واژه کفر در تفاسیر و ترجمه های فارسی قرن ۱۰ تا ۱۵ می باشد. در این راستا این پژوهش تلاش میکند در ابتدا با نگاهی بر هسته معنایی این واژه در زبانهای باستانی و زبان عصر نزول قرآن کریم به هسته معنایی این واژه نزدیک شود و سپس در دو بخش به بررسی برداشت مفسران و معادل‌های مترجمان از واژه کفر در تفاسیر و ترجمه های فارسی قرن ۱۰ تا ۱۵ می پردازد تا از این رهگذر به تحول معنای واژه کفر در این مقطع زمانی دست یابد و در پایان به تحلیل این تحولات پرداخته می شود.

## ۱. کلیات پژوهش

در راستای بیان کلیات پژوهش، به تبیین و ضرورت آن پرداخته، و با نگاهی به اهداف پژوهش، پرسش‌ها و فرضیه‌های آن را نیز بیان خواهیم کرد.

### ۱.۱. تبیین مساله

هر گوینده‌ای با الفاظی قابل فهم برای مخاطب مفهومی را برای او انتقال می‌دهد و در واقع مفاهیم مورد نظر او در قالب الفاظ انتقال پیدا میکند. خداوند متعال در قرآن کریم مفاهیمی را در قالب الفاظ به ما انتقال داده است تا مقدمه هدایت بشر فراهم شود که اگر مفاهیم به درستی انتقال پیدا نکند هدف اصلی که هدایت بشر بوده است محقق نمی‌شود.

پس شناخت واژه‌ها و مفاهیمی که انتقال می‌دهند برای هدایت بشر و دریافت مبانی زندگی اسلامی امری ضروری و انکارناپذیر است. این نکته باید در نظر گرفته شود که در طول تاریخ تفسیر مفاهیم ثانویه‌ای به علل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به مفهوم اولیه تحمیل شده است. واژه کفر یکی از واژه‌های اساسی و پر کاربرد قرآن کریم است که عدم دریافت مفهوم اصلی این واژه در قرآن تبعات سیاسی و اجتماعی در پی داشته است. باید دید زمانی که در قرآن کریم می‌فرماید الذین کفروا مراد، چه کسانی یا چه گروه‌هایی است؟

در نگاه برخی مفسران این طور نبوده که این دسته گروهی هستند که هرگز بخشیده نمی‌شوند و باید از جامعه مسلمین طرد شوند. خداوند متعال کفر را زمانی در مقابل ایمان، گاهی در مقابل تقوا، در آیاتی در مقابل عمل صالح قرار داده است این لفظ گاهی هم در بعضی آیات به منکران خدا و ... اطلاق شده است و فقط در یک مورد خداوند می‌فرماید که هرگز بخشیده نمی‌شوند و آن زمانی است که بعد از ایمان، دوباره کافر شده و بر کفر خود اصرار کنند. همین سبک رفتار الهی در مقابل این افراد آموزشی است برای مسلمانان در جامعه اسلامی که حتی اگر با معیارهای قرآنی بتوان گروهی را در این دسته قرار داد آنها برگشت پذیر به مسیر حق هستند. در واقع، روش جریان‌هایی در جامعه اسلامی که با تندروری به آسانی به خروج مسلمانان از دین حکم می‌دهند و به ضرورت طرد آنها از جامعه اسلامی تأکید می‌کنند؛ سبک‌ریش قرآنی نیست. این نوع تفکر افراطی باعث بی‌میلی و دوری جوانان از اسلام شده و باعث جذب آنها به گروه‌های انحرافی منحرف می‌شود و به مرور پس از چندین دهه این انحراف از مبانی فکری اسلام ضربه‌های جبران‌ناپذیری را به جوامع اسلامی وارد میکند و انسانهای زیادی را که میتوانستند باعث تقویت

اسلام ورشد و بالندگی جوامع باشند به دشمنان قسم خورده مبدل میکند. بررسی دامنه نوسانات معنایی واژه کفر و اینکه چه عواملی دامنه معنایی کفر را تنگ یا گسترده کرده است ما را به واقعیت معنایی واژه کفر بسیار نزدیک میکند و میتوان از این شناخت در حوزه مسایل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بهره برد.

### ۱.۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

ما در جهان با جریانهای تندرویی مثل داعش و گروههای سلفی تکفیری که بدون علم حکم میدهند و به حکم خود عمل میکنند مواجه هستیم. آنها خود را پیرو اسلام ناب معرفی میکنند ولی با فاصله گرفتن از مفهوم اصلی آیات و دوری از تفکر در آیات الهی به عنوان یک متن بهم پیوسته حکم به تکفیر می دهند و با نام اسلام اعمال خشونت می کنند. مقابله با این نوع نگرش، نیازمند شناخت دقیق مبانی فکری آنها و نیز شیوه‌هایی است که به کار می‌گیرند.

پس لازم است، با عقبه فکری این گروه که تاثیر اغوا کننده بر جوانان رادارد نیز مقابله کرد. زیرا در صورت عدم فرهنگ سازی و انتقال مفاهیم حقیقی، ریشه‌های این تفکر باقی خواهد ماند و در قالب گروهها و عناوین دیگر تجدید سازمان کرده به انحاء مختلف ایجاد مزاحمت می‌کنند. یکی از راههای مقابله با این نوع نگرش و دیدگاه‌های افراطی یا تفریطی مشابه، بیان دیدگاه‌های واقعی اسلام است.

قرآن به عنوان نص قطعی الصدور در رأس منابع معرفی معارف دین است. لذا در این پژوهش در پی آنیم تا از طریق بررسی کفر در این کتاب آسمانی و سیر تحول معنای آن از خلال تفاسیر و ترجمه‌های فارسی قرآن، در گذر شش قرن، معنای اصلی آن را بیابیم.

### ۱.۳. اهداف پژوهش

الف) بدست آوردن معنای جامع و کاملی از واژه کفر در نظرات مترجمان و مفسران قرن ۱۰ تا ۱۵

ب) شناخت کاملی از سیر تحول معنایی این واژه در قرن ۱۰ تا ۱۵

### ۱.۴. پرسش‌های پژوهش

الف) مفسران و مترجمان قرن ۱۰ تا ۱۵ برای واژه کفر چه حوزه معنایی را در نظر گرفته اند؟

ب) در حوزه معنایی واژه کفر در قرن ۱۰ تا ۱۵ چه تغییراتی ایجاد شده است؟

## ۱.۵. فرضیه های پژوهش

۱- در ترجمه و تفسیرهای قرن ۱۰ تا ۱۵ معادل های متعددی مانند کافران، مشرکان، دشمنان، انسانهای لجوج، منکران خدا و.. برای این واژه ذکر شده است.

۲- برابر نهادهای مختلفی با حوزه های معنایی متنوع، برای کفر و مشتقات آن بیان شده است و این حوزه های معنایی دچار توسعه شده است.

## ۱.۶. پیشینه پژوهش

با بررسی و جستجو در منابع مختلف از جمله مقالات و پایان نامه ها برخی پژوهش های مرتبط با این پایان نامه به شرح زیر است:

آذرنوش، آذرتاش، مقاله "بررسی زبان شناختی واژه قرآنی کفر"، ادب عربی، پاییز ۱۳۹۱ ش ۳

قره خانی، ناصر، مقاله "معنی شناختی تاریخی واژه کفر از کاربست جاهلی در قرآن کریم" ادب عربی، زمستان ۱۳۹۵ شماره ۲

شهیدی، سید مهدی، مقاله "حوزه معنایی واژه قرآن کریم" علوم قرآن و حدیث، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۸۴

حقانی زنجانی، حسین، مقاله "کفر از دیدگاه قرآن" درس هایی از مکتب اسلام، خرداد ۱۳۷۳

پایان نامه، عنوان ارتداد "عیسی ولایی" به راهنمایی فضل الله حسینی دانشگاه آزاد، ۱۳۷۹

لویبزن لیونارد، فراسوی ایمان و کفر شیخ محمود شبستری، مترجم مجد الدین کیوانی نشر مرکز، ۱۳۸۵

## ۱.۷. جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش

از مباحث مشترک مورد توجه فیلسوفان، عارفان، فقیهان، متکلمان، محدثان و مفسران بحث "چیستی کفر" یا نقطه مقابل آن، ایمان بوده است. هر یک از این عالمان به فراخور تخصص و حوزه مطالعاتی خود به بررسی کفر و ابعاد مختلف آن پرداخته، کتابها و رساله ها نگاشته اند. هر چند این مکتوبات به طور مستقل و با عناوین مصرح منتشر نشده اند؛ اما از خلال آثار و میراث برج مانده ی آنان به وفور می توان به آراء و نظرات آنان در خصوص این واژه دست یافت. در این میان، دایره ی معنایی کفر و مصادیق آن گاه تنگ و مضیق می شده و گاه دیگر با توسعه و گشادگی روبه رو بوده است؛ طبعاً، هر یک از این رویکردها آثار و نتایج مختلفی را به دنبال داشته است. بی تردید، در این فراز و فرودها عوامل مختلفی اثرگذار بوده



است. آنچه مورد نظر این پژوهش است بررسی سیر تحول معنایی این واژه در گذر زمان (در محدوده ی سده های ۱۰ تا ۱۵) است.

## ۱.۸. روش انجام پژوهش و جمع آوری اطلاعات

با توجه به موضوع پژوهش و مسئله اصلی در آن (بررسی سیر تحول معنایی در قرن ۱۰ تا ۱۵) رویکرد تحلیل تاریخی می تواند روش مناسبی برای این پژوهش باشد. جمع آوری اطلاعات در پژوهش حاضر با روش کتابخانه ای صورت میگیرد و از ابزارهای مورد استفاده در آن، ترجمه ها و تفاسیر قرن ۱۰ تا ۱۵ و نرم افزارهای تخصصی موجود در این حوزه است.

## ۲. مفاهیم پژوهش

در این راستا با نگاهی بر معناشناسی (و سیر تحول آن)، به بررسی واژه کفر در زبانهای سامی و قاموسهای عربی می پردازیم.

### ۲.۱. معنا شناسی

در این بخش با بررسی «معناشناسی» (و پیشینه آن)، به انواع معنا و تغییرات آن می پردازیم.

#### ۲.۱.۱. معناشناسی و پیشینه آن

معناشناسی از شاخه های اصلی زبان شناسی است که به مطالعه معنا در زبان می پردازد به بیان دیگر معنا، موضوع مهم و اصلی دانش معنا شناسی است. در لغت به معنای اراده کردن، قصد کردن و در نظر داشتن و چیزی را منظور داشتن است. به معنای نقصود، مفهوم، مضمون، مفاد، و محتوا و مدلول هم هست. (سیدی، ۱۳۹۰: ص ۳۱)

نقطه آغازین کاربرد اصطلاح معناشناسی به لحاظ زمانی فاصله ای بس طولانی با اولین رگه های مطالعاتی در این زمینه دارد. گرچه کاربرد این اصطلاح قدمتی صد و چند ساله دارد، اما مطالعات معناشناختی تحت عناوین مختلفی چون «شناخت»، «معرفت»، «آگاهی»، «هستی شناسی»، «پدیدار شناسی» و ... ریشه در قرون و اعصار کهن دوانده است. از دیرباز فلاسفه، منطقیون و زبان شناسان به مطالعه معنا توجه داشته اند ولی اولین رگه های جستجوی معنا را در آراء سقراط (۴۷۰-۳۹۹ ق.م) می توان یافت. در گذر تاریخ، نظریات این فیلسوف بزرگ یونانی، پیش زمینه ای شد برای آنچه امروز تحت عنوان علم معناشناسی مطرح است (پایان نامه حسینی به نقل از خسروی زاده، ۱۳۹۰: ۲۶). اما اولین کاربرد اصطلاح «semantic» به

صد و چند سال پیش می‌رسد. مروری اجمالی بر تاریخچه معناشناسی، نشان می‌دهد این اصطلاح از واژه‌های نوافزوده به زبان انگلیسی است و نخستین بار در سال ۱۸۹۴ در مقاله‌ای با عنوان «معانی منعکسه: نکته‌ای در معناشناسی» که به انجمن زبان‌شناسان آمریکا ارائه شد، مطرح گردید (پایان نامه حسینی به نقل از پالمر، ۱۳۹۰: ۲۷).

مسلمانان نیز به دلیل لزوم فهم و تفسیر معنای قرآن به دانش معناشناسی توجه جدی نشان دادند. مباحثی چون ثبت معانی واژگان غریب در قرآن، حوزه مجاز، وجوه و نظایر و پیدایش فرهنگهای موضوعی در حوزه مباحث معناشناسی جای می‌گیرد. نگارش فرهنگهایی در حوزه معنای مجازی و حقیقی توسط زمخشری (اساس البلاغه) و تلاش در یافتن تغییرات ممکن یک ریشه با حفظ بار معنایی مشترک در مشتقات توسط ابن جنی در الخصائص یعنی اشکال مختلف کلمه در حالات گوناگون از تلاشهای اولیه در باب معناشناسی به شمار می‌آید. هم‌چنین تلاشهای علمای اصول که به طور مبسوط به دلالت الفاظ پرداخته‌اند به مباحثی چون دلالت لفظ، دلالت منطوق، دلالت مفهوم، تقسیم لفظ، ترادف، اشتراک، عموم و خصوص، تخصیص و تقييد برای فهم معنا اشارات مهمی داشته‌اند. (سیدی، ۱۳۹۰: ص ۳۷)

## ۲. ۱. ۲. چيستی «معنا» و «معناشناسی»<sup>۱</sup>

معنا جریانی جهت دار است و قائل شدن معنا برای چیزی، در نظر گرفتن جهتی برای آن است (شعیری، ۱۳۸۸: ۷). آنچه در معناشناسی، معنا نامیده می‌شود، مصداقی است که در جهان خارج وجود دارد و یا مفهومی است که بر حسب مصداق‌ها، به صورت نوعی تصور در ذهن سخن‌گویان زبان انباشته شده است (پایان نامه حسینی به نقل از صفوی، ۱۳۹۰: ۲۷). نظریه‌های معناشناسی، متن یا کلام را مجموعه‌ای معنادار می‌دانند که می‌توان به مطالعه و درک آن پرداخت. راه پیشنهادی معناشناسی برای دستیابی به چنین مجموعه‌های معناداری، در نظر گرفتن ابعاد یا سطوح گوناگون برای متن است (شعیری، ۱۳۸۸: ۱۲). معناشناسی در تجزیه و تحلیل کلام، متن را مجموعه‌ای منسجم و معنادار می‌داند و به مطالعه و بررسی تمام وقایعی که در ژرف ساخت نشانه‌های فهم معنا و یا در بین آن‌ها وجود دارد می‌پردازد. بنابراین تحلیل معناشناختی بر این اصل استوار است که متن، محل شکل‌گیری فرآیند معنایی است (پیشین). به زبان دیگر، معناشناسی مطالعه علمی معناست و به توصیف پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام، بدون هر پیش‌انگاری می‌پردازد (پایان نامه حسینی به نقل از صفوی، ۱۳۹۰: ۲۷).

---

<sup>۱</sup> meaning

<sup>۲</sup> semantic

بنابراین اگر نشانه‌شناسی<sup>۳</sup>، دانش درک معنا و کاربرد شناسی<sup>۴</sup>، مطالعه معنا با توجه به گوینده و شنونده باشد، معناشناسی مطالعه انتقال معنا از طریق زبان و مستقل از گوینده و شنونده است (همان:ص۲۷).

### ۲.۱.۳. کارکرد و هدف معناشناسی

معناشناسی در خدمت تجزیه و تحلیل گفتمان و کلیدی برای گشایش درهای متن یا کلام است. این علم ابتدا به برش یا تقطیع کلامی متن می‌پردازد و پس از بررسی معناشناختی این قطعات، اتصال آن‌ها به یکدیگر برای دستیابی به کل معنایی را آغاز می‌کند. ویژگی این روش، برخورداری از دقت ویژه در تحلیل متن است؛ چرا که مطالعه خود را به پیکره کلامی محدودی معطوف می‌کند تا بتواند بررسی موشکافانه‌ای انجام دهد. هدف معناشناسی، روشمند کردن مطالعه و بررسی متن یا کلام است، یعنی این علم در پی معرفی راه‌هایی است که با آن بتوان هر نوع متن یا سخن، اعم از کلامی یا غیر کلامی را معرفی کرد (شعیری، ۱۳۸۸: ۱۳). معناشناسی عهده‌دار مطالعه روابط میان نشانه‌ها از یک طرف و مظاهر ذهنی آن‌ها از طرف دیگر است (پایان نامه حسینی به نقل از اختیار، ۱۳۹۰: ۲۷)، و علاوه بر نشانه‌ها، به بررسی مجموعه‌های معنادار که در برگیرنده نشانه‌های گوناگون هستند می‌پردازد؛ در نتیجه متن و کلام به عنوان مجموعه‌های معنادار اهمیت می‌یابد. از دیدگاه معناشناسی، هر آنچه دریافتنی و درک شدنی باشد متن است. متن مجموعه داده‌ها و پدیده‌هایی است که قابلیت تجزیه و تحلیل شدن دارند، اما کلام فعالیت یا عملیاتی است گفتمانی که به تولید گفته منجر می‌شود (شعیری، ۱۳۸۸: ۴۱، ۴۰).

علی‌رغم توجه معناشناسی به بررسی رموزها و نظام آنها، حتی خارج از چارچوب زبان، تاکید معناشناسی در میان نظام رموزها بر زبان است. به طور یقین فعالیت کلامی دارای معنای کاملی است و تنها از واژگان شکل نیافته است؛ بلکه پدیده‌های کلامی جمله‌هایی هستند که نشانه‌های آن‌ها به مکث یا وقف و امثال آن مشخص می‌شود. اگر این مسلم باشد، پس معناشناسی متکی بر واژه‌ها نیست، زیرا کلمات تنها واحد‌هایی هستند که سخنگویان کلامشان را از آن می‌سازند و نمی‌توان هر یک از آن‌ها را پدیده کلامی مستقل و قائم به ذات محسوب نمود (مختار عمر، ۱۳۸۶: ۱۹، ۲۰).

اگر بتوان برای گفتمان معنای ابتدایی و ثانوی قائل شد، معناشناسی در جستجوی معنای ابتدایی و شناساندن آن است. از این دیدگاه، کلام مجموعه منسجمی است که معناشناس، کشف انسجام و بررسی آن را به عهده دارد. چنین کشفی ممکن نیست مگر آنکه وی، توجه خود را بر مطالعه فرآیندی متمرکز کند که در آن حیات یا موجودیت کلام رقم می‌خورد؛ این فرآیند همان عمل گفتمان است. اعتقاد به عامل گفتمان به عنوان مرجع معنایی، یعنی اعتقاد به وجودی زنده و حساس که در فرآیند گفتمان تحت

<sup>۳</sup>Semio- semantic

<sup>۴</sup>pragmatics

تأثیر زیبایی، هیجان، دانسته‌ها و حضور دیگران به فعالیت گفتمانی می‌پردازد، در معناشناسی دیده می‌شود (شعیری، ۱۳۸۸: ۱۴).

بنابراین معناشناسی کار کشف ساز و کارهای معنا را با مطالعه‌ای علمی به عهده دارد، معنایی که در پس لایه‌های متن ذخیره شده و هر چه متن پیچیده‌تر، ادبی‌تر و چند لایه‌ای‌تر و درصدد انتقال معانی بیشتر با حجم زبانی کمتر باشد، کار معناشناسی نیز به همان میزان سخت‌تر و پرهیجان‌تر می‌شود و نیاز به قواعد منظم و قانون‌های منسجم، بیشتر رخ می‌نماید (پایان نامه حسینی به نقل از مطیع، ۱۳۹۰: ۲۹).

قرآن کریم در عین برخورداری از پیوستگی معنایی (احکام)، ظاهری مشروح و به نظر غیر پیوسته (تفصیل) دارد؛ بدان معنا که جنبه‌های مختلف یک مسئله را در جایگاه‌های متفاوت بیان می‌فرماید. بنابراین دستیابی به مفهوم دقیق یک موضوع از دیدگاه قرآن کریم، نیازمند نگاهی جامع به سرتاسر این کتاب شریف است تا جایی از مسئله مغفول نماند (همو، ۱۳۹۰: ۲۹). معناشناسی به عنوان ابزاری برای مطالعه علمی معنا، به توصیف پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام می‌پردازد (پایان نامه حسینی به نقل از صفوی، ۱۳۹۰: ۳۱) و به تمامی عوامل موثر در استنباط معنای صحیح توجه می‌نماید (همو، ۱۳۹۰: ۳۱).

#### ۲. ۱. ۴. شاخه‌های معناشناسی

معناشناسی با علوم مختلفی از جمله ریاضی، زبان‌شناسی، فلسفه و منطق ارتباط دارد. از این رو هر علم، از دیدگاهی به معناشناسی می‌نگرد و به همین سبب روش‌های مختلفی در مطالعه معنا ایجاد شده است که این بخش متکفل بیان آن است:

۲. ۱. ۴. ۱. **معناشناسی فلسفی**<sup>۵</sup>: شاخه‌ای از مطالعات فلسفی است که نسبت به معناشناسی منطقی و زبانی از قدمتی بسیار طولانی برخوردار است و حتی به قرن ۴ ق.م و آراء و افکار فلسفی سقراط و افلاطون درباره معنا در رساله‌های سوفیست، کراتیلوس و لاکس باز می‌گردد. سیر تاریخی مطالعات زبان‌شناسی نشان می‌دهد که بررسی‌های فلسفی در این زمینه، در راستای شناخت جهان و کشف ارتباط موجود میان زبان و جهان است و به ماهیت دلالت و چگونگی درک معنا باز می‌گردد (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۰۱).

#### ۲. ۱. ۴. ۲. معناشناسی منطقی<sup>۶</sup>:

بخشی از معناشناسی صوری است که از معناشناسی زبان‌های صوری برای مطالعه معنا در زبان‌های طبیعی بهره می‌گیرد و منطق ریاضی بخشی از این نوع معناشناسی است. معناشناسان منطقی، زبان را

<sup>۵</sup>Philosophical semantics

<sup>۶</sup>logical semantics

ابزاری برای ارجاع به جهان خارج در نظر می‌گیرند. در این نوع معناشناسی سعی بر آن است تا با توجه به موقعیت جهان خارج، صدق یا کذب یا به عبارت دقیق‌تر ارزش صدق هر جمله زبان تعیین شود. پیشگامان این روش مطالعه معنا را می‌توان ب. بولزانو، گ. فرگه و ب. راسل دانست. نظریه‌هایی که در معناشناسی منطقی معرفی شده‌اند، در دو گروه نظریه‌های خرد و کلان قابل طبقه‌بندی است (همان، ۱۰۵).

### ۳. ۱. ۴. ۲. معناشناسی زبانی<sup>۷</sup>:

معناشناسی زبانی بخشی از دانش زبان‌شناسی است که در آن توجه، معطوف به خود زبان است. معناشناسی زبانی با مطالعه معنا به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنا از طریق خود زبان است و در اصل بازنمودهای ذهن آدمی را باز می‌کاود. این شیوه مطالعه معنا را رهیافتی باز نمودی می‌نامند (پایان نامه حسینی به نقل از صفوی، ۱۳۹۰: ۳۲). معناشناسی زبانی بر حسب روش مطالعه معنا در قالب نظری یا کاربردی‌اش، در دو گونه معناشناسی نظری و کاربردی قابل طبقه‌بندی است. معناشناسی زبانی معادل واژه فرانسوی «semantic» است (صفوی، ۱۳۸۴: ۸۴). در نهایت معناشناسی زبانی بخشی از دانش زبان‌شناسی است که معنای واژه‌ها، جملات و متون را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد (پایان نامه حسینی به نقل از خسروی زاده، ۱۳۹۰: ۳۳).

### ۵. ۱. ۲. انواع معنا

میان معناشناسان در تعیین انواع معنا اختلافاتی وجود دارد اما میتوان به ۵ نوع معنا در دانش معناشناسی اشاره کرد:

الف) معنای اصلی یا مرکزی که به آن معنای تصویری یا مفهومی conceptual یا ادراکی cognitive هم می‌گویند. این معنا همان عامل اصلی ارتباط زبانی و نماینده حقیقی اصلی زبان یعنی تفاهم و انتقال اندیشه‌ها است.

ب) معنای اضافی یا عرضی (ثانوی یا ضمنی) معنایی که لفظ از طریق آنچه که در کنار معنای تصویری خالص به آن اشاره دارد، صاحب می‌شود. این معنا زاید بر معنای اصلی است و صفت ثابت و فراگیر آن نیست بلکه با تغییر فرهنگ یا زمان و یا تجربه تغییر می‌کند.

ج) معنای سبکی، که نوعی از معناست که پاره‌ای از زبان را با توجه به شرایط اجتماعی سخنگویان و منطقه جغرافیایی وابسته به آن در برمی‌گیرد.

---

<sup>۷</sup>linguistic semantics

د) معنای روانی که به دلالت‌های یک لفظ در نزد فرد اشاره دارد. بنابراین یک معنای فردی-شخصی است و در نتیجه یک معنای مقید.

ه) معنای ارجاعی، که نوعی از معناست که به کلمه‌هایی با قدرت خاص برالهام- با توجه به شفاف بودن آن- وابسته است. (سیدی ۱۳۹۰: ص ۳۹)

## ۲.۱.۶. تغییر معنایی

از مباحث مهم دانش معناشناسی، مطالعه درزمانی حوزه‌های معنایی است. یعنی مطالعه رابطه میان واحدهای معنایی هم حوزه می‌توانداز دو دیدگاه درزمانی و همزمانی صورت پذیرد. مطالعه درزمانی حوزه‌های معنایی عبارت است از این که یک معنادر یک حوزه معنایی خاصدر طول زمان دچار تغییر می‌شود. حالات مختلفی برای این تغییرات می‌توان تصور کرد:

الف) شرایطی را میتوان در نظر گرفت که در این دو حوزه معنایی نه تغییری در مجموعه واژه‌ها پدید آمده است و نه تغییری در روابط مفهومی میان این واحدهای هم حوزه.

ب) شرایطی که در آن، یکی از واحدهای حوزه معنایی، در طول زمان جای خود را به واحد دیگری می‌دهد ولی تغییری در روابط مفهومی پدید نمی‌آید.

ج) شرایطی که بدون تغییر در واژه‌ها، ساخت درونی حوزه مفاهیم تغییر کند.

ه) گاهی هم واژه‌ها و هم در روابط مفهومی میان واحدهای حوزه معنایی تغییر رخ میدهد.

و) گاهی هم در شرایطی با افزایش یک واژه به حوزه معنایی، تغییری در روابط مفهومی واحدهای این حوزه پدید می‌آید.

زبان به مثابه یک پدیده طبیعی و یکی از رفتارهای انسانی در حال تغییر است. عواملی که بر تحول و تغییر معنایی تاثیر می‌گذارند فراوان هستند که دو عامل اساسی در این تغییر، کاربرد و نیاز است. واژگان زبان تا زمانی که در گفتار و نوشتار به کار می‌روند دچار تغییر و تحول می‌شوند.

از نظر زبان‌شناسان تغییرات معنایی به چند گونه بروز می‌کنند:

۱. گسترش معنایی: یعنی حوزه معنایی و کاربردی واژه گسترش می‌گردد. مانند واژه یخچال که در گذشته صرفاً به توده‌های یخ کوهستان اطلاق می‌شد ولی اکنون به یک وسیله برقی نیز اطلاق می‌شود.